

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اکتوبر ۲۰۲۲

تقابل ترکیه با انگلیس و یا بازی دوگانه ترکیه!؟

دوشنبه- ۲۵ میزان ۱۴۰۱ - کابل: با اندکی دقت در اخبار روز افغانستان متوجه می شویم که همزمان و به موازات صحبت های "پوتین" در قبال ضرورت نزدیکی با طالب و نظام ملاسالار، دو عضو پیمان تجاوزگر ناتو یعنی ترکیه تحت زعامت "اردوخان اخوانی" و انگلستان نیز تحرکاتی را در قبال افغانستان آغاز نموده اند که در یادداشت امروز بحث مختصری در مورد شان خواهیم داشت:

۱- همین سه روز قبل بود که امپراتوری پیر انگلستان بعد از مدتها سکوت و خود را کنار کشیدن از قضایای افغانستان و هضم جنایات و اشتباهاتی که در زمان حضور شان در افغانستان و حین فرار جیونانه و افتضاح آمیز شان و سپردن حاکمیت به طالب مرتکب شده بودند، خود را مجدداً وارد صحنه نموده، نخست زمینه صحبت دو جاسوس و نوکرشان "احمد مسعود" و "حمدالله محب" را فراهم نمودند و به تعقیب آن از تجمع بدنامترین جنایتکاران در ۴ دهه اخیر، تولد یک نهاد جدیدی را به نام "حرکت ملی صلح و عدالت" اعلام نموده، در آن متعهد شدند که جهت انتقال و همسویی با طالب و ایجاد یک جمهوری جدید در آینده "صلح آمیز" مبارزه خواهند نمود.

۲- همان طوری که نوشتیم همزمان و به موازات اعلام تولد نامیمون فرزند حرام جدید، دولت ترکیه خلاف چند هفته قبل که از طریق "دوستم" اعلام داشت قادر است ظرف چند هفته طالب و نظام ملاسالار را از شمال افغانستان بیرون نماید، با فراخواندن تعدادی از اسلام شناسان و اخوانی ها در ترکیه و بعد از دو روز صحبت زیر نظر "حزب عدالت و توسعه" یعنی حزب حاکم در ترکیه، با صدور قطعنامه ای از اسلام شناسان سراسر جهان خواستند تا دولت های خودشان و کنفرانس کشور های اسلامی را وادار نمایند که جهت شناسایی طالب پیش قدم بگردند.

۳- با دقت در مجموع نظرات یعنی نکاتی که "پوتین" بیان نموده با دو عضو ناتو یعنی ترکیه و انگلستان متوجه یک مقدار اختلافاتی می گردیم که می تواند تقابل برخی از کشور ها را با یک دیگر نشان بدهد.

این که نظرات "پوتین" با اعضای ناتو اختلاف داشته باشد و حتا در تقابل با همدیگر باشند، زیاد دور از انتظار نیست زیرا آنها همین اکنون در جنگ داغی که با یک دیگر قرار دارند و می تواند این جنگ و تقابل در تمام مناسبات بین المللی تبارز بیابد؛ آنچه به نظر من قابل اهمیت است موضع دوگانه اعضای ناتو در قبال طالب و نظام ملاسالار است. یعنی در حالی که انگلستان می کوشد برای بدیل طالب کار نماید، ترکیه عملاً از طریق تدویر این کنفرانس و صدور چنان قطعنامه ای، حمایت مستقیمش را از نظام ملاسالار اعلام داشته، هیچ حرفی از تغییر آن نظام به میان نمی آورد.

۴- سؤالی که در همین جا بلافاصله به وجود می آید، درک مواضع واقعی ترکیه است. ترکیه از یک سو با صحبت های "دوستم" که یقیناً در مشورت با مقامات امنیتی ترکیه بیان شده است، از تغییر نظام صحبت می نماید و حتا عمر آن را تعیین می نماید، مگر از جانب دیگر با صدور قطعنامه اسلام شناسان وابسته به حزب "عدالت و توسعه" تلویحاً پیشنهاد به رسمیت شناختن نظام ملاسالار را ارائه می دارد. به عبارت ساده تر، در یک دست شمشیر و در دست دیگر قرآن را به نمایش می گذارد.

این که "ترکیه اردوخان" در طی دو دهه ای که "اردوخان" و "حزب عدالت و توسعه" سکان اداری حاکمیت ترکیه را در اختیار دارند همیشه در قبال قضایای بین المللی برخورد ها و مواضع دوگانه حتا چندگانه داشته اند چه در رابطه با لیبیا، چه در رابطه با سوریه و چه در رابطه با اوکراین و ارمنستان و آذربایجان، در همه حالت کوشیده اند تا منافع سرمایه ترکی را حمایت نمایند و هیچ نوع تعهد و پیمانی را اعتبار نداده اند، یک طرف قضیه است؛ اما طرف دیگر قضیه این است که با پیشنهاد به رسمیت شناختن طالب و نظام ملاسالار در عمل با انگلستان و بقیه اعضای ناتو در تقابل قرار می گیرد.

در این میان آنچه مطلقاً گنگ و نامعلوم است عمق و واقعیت نظرات رژیم ترکیه است که نمی خواهد آشکار سازد که سرانجام در قبال طالب و نظام ملاسالار چه موضعی اتخاذ خواهد کرد؟

اگر می خواهد آنها را به رسمیت بشناسد تحت کدام شرایطی این کار را انجام می دهد و سرنوشت جنگ طلبان ترک نژاد از قماش "دوستم" و میلیارد ها دالر سرمایه ای که به ترکیه انتقال داده اند، چه خواهد شد؟ هرگاه نمی خواهند مناسبات شان با آن سرمایه خراب شود، تصامیم اسلام شناس ها به چه معنا می باشد؟ این که "اردوخان" ثابت نموده که تا حال استاد بازی های دوگانه و حتا چندگانه است، بدان معنا نیست که در اینجا هم بتواند هم لعل را به دست آورد و هم دل یارش نرنجد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!